

تحلیل کنش‌های رفتاری حزب جمهوری‌خواه خلق ترکیه در قبال جمهوری اسلامی ایران

عبدالمطلب عبدالله^۱، رامین ولی‌زاده میدانی^۲، سینا فکری^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۰

چکیده

تشکیل جمهوری ترکیه بعد از فروپاشی امپراتوری عثمانی و پیدایش احزاب سیاسی علی‌رغم فضای تک‌حزبی در سال‌ها نخست جمهوری ترکیه فضایی از رقابت دموکراتیک را بین احزاب این کشور به وجود آورد. حزب جمهوری‌خواه خلق که نخستین حزب سیاسی ترکیه محسوب می‌شود، در حال حاضر بزرگ‌ترین اپوزیسیون حزب حاکم است. هدف مقاله حاضر تبیین مواضع حزب جمهوری‌خواه خلق در قبال جمهوری اسلامی ایران است. بر این اساس پرسش اصلی این پژوهش عبارت است از اینکه انگاره‌های هویتی حزب جمهوری‌خواه خلق چه نقشی در مواضع این حزب در قبال جمهوری اسلامی ایران دارد؟ نگارنده در فرضیه مقاله بر این باور است که رویکردهای هویتی حزب جمهوری‌خواه خلق بر مواضع این حزب تأثیرگذار است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از اسناد کتابخانه‌ای نقش انگاره‌های هویتی را در مواضع حزب جمهوری‌خواه خلق مورد بررسی قرار می‌دهد. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی محسوب می‌شود. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد کنش‌های رفتاری حزب جمهوری‌خواه خلق در قبال جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اتخاذ سیاست‌های همکاری‌جویانه است.

واژگان کلیدی: حزب جمهوری‌خواه خلق، جمهوری اسلامی ایران، انگاره‌های هویتی، ترکیه

^۱دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

^۲دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

asemanehapht@gmail.com

^۳دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

۱- مقدمه

جمهوری اسلامی ایران و ترکیه به‌عنوان دو کشور تأثیرگذار در منطقه غرب آسیا به‌شمار می‌روند که حجم مناسبات طرفین گویای اهمیت روابط این دو کشور است. دومین حزب بزرگ حاضر در پارلمان ترکیه که به‌عنوان نخستین حزب سیاسی جمهوری ترکیه محسوب می‌شود، از جایگاه قابل‌توجهی در فضای سیاسی این کشور برخوردار است. تحلیل انگاره‌های هویتی این حزب بر اساس چارچوب نظری سازه‌نگاری با تأکید بر نظریه ونت^۱ می‌تواند مواضع آن را مورد بررسی قرار دهد.

با توجه به روابط فی‌مابین ترکیه و ایران به‌عنوان دو کشور همسایه که در تاریخ گذشته با فراز و فرودهای گوناگون مواجه بوده و با توجه به‌نظام حزبی ترکیه که احتمال جابجایی قدرت در آینده این کشور وجود دارد، شناخت مواضع هر یک از احزاب سیاسی ترکیه نسبت به جمهوری اسلامی ایران از اعتبار و اهمیت وافر برخوردار است. از آنجایی‌که پژوهش‌های پیشین عمدتاً به مواضع حزب عدالت و توسعه در قبال جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند و از بررسی مواضع احزاب دیگر حاضر در پارلمان ترکیه غفلت کرده‌اند، انجام پژوهش حاضر برای بررسی جامع مواضع حزب جمهوری‌خواه خلق ضروری به نظر می‌رسد. به نظر می‌رسد حزب جمهوری‌خواه خلق در طی سال‌ها آتی نقش تعیین‌کننده‌ای در سیاست داخلی و خارجی ترکیه خواهد داشت؛ لذا تبیین مواضع این حزب برای فهم سیاست خارجی ترکیه در قبال جمهوری اسلامی ایران ضروری است. پژوهش حاضر تلاش می‌کند که رویکردهای هویتی حزب جمهوری‌خواه خلق را تحلیل کند تا فهم درستی از مواضع این حزب حاصل شود.

هدف پژوهش حاضر تحلیل مواضع حزب جمهوری‌خواه خلق در قبال جمهوری اسلامی ایران است. بر این اساس پرسش اصلی مقاله عبارت است از اینکه انگاره‌های هویتی حزب جمهوری‌خواه خلق چه نقشی در مواضع این حزب در قبال جمهوری اسلامی ایران دارد؟ فرضیه‌ای که برای این موضوع در نظر گرفته شده، عبارت است از این‌که انگاره‌های هویتی حزب جمهوری‌خواه خلق نقش تأثیرگذاری در مواضع این حزب در قبال جمهوری اسلامی ایران دارد. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از اسناد کتابخانه‌ای نقش انگاره‌های هویتی بر مواضع حزب جمهوری‌خواه خلق را مورد بررسی قرار می‌دهد. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی محسوب می‌شود.

بازیگران سیاسی بر اساس نظریه ونت از باورها و انگاره‌های هویتی خود در تصمیم‌گیری‌ها تأثیر می‌پذیرند؛ لذا تحلیل رویکردهای هویتی این بازیگران فهم عملکردهای آن‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد. احزاب سیاسی ترکیه از جمله حزب جمهوری‌خواه خلق در یک بستر هویتی متفاوت رشد کرده‌اند که مواضع منبعث از این بستر را متفاوت می‌سازد. حزب جمهوری‌خواه خلق به‌عنوان نخستین حزب جمهوری ترکیه که از سوی بنیان‌گذار این جمهوری یعنی مصطفی کمال آتاتورک^۲ تأسیس شده است، هویتی متمایز تحت عنوان کمالیسم را دنبال کرده است. رقابت این احزاب در عرصه سیاسی ترکیه نشان می‌دهد که رأی‌دهندگان به این احزاب نیز از انگاره‌های هویتی آن‌ها تأثیر می‌پذیرند و به‌سوی حزب موردعلاقه خود سوق پیدا می‌کنند. نگرش‌های کمالیستی حزب جمهوری‌خواه خلق از سوی طرفداران آن مورد استقبال بوده است.

1. Wendt

2. Mustafa Kemal Atatürk

پژوهش حاضر با تأکید بر نظریه ونت در چارچوب نظری سازه‌انگاری انگاره‌های هویتی حزب جمهوری خواه خلق را مورد بررسی قرار می‌دهد و بر اساس آن مواضع متأثر از رویکردهای هویتی این حزب در قبال جمهوری اسلامی ایران تحلیل می‌شود.

۲- چارچوب نظری

اندیشه سازه‌انگاری بر این باور است که واقعیت را نمی‌توان مستقل از ذهن مورد مطالعه قرارداد. واقعیت امر بینا ذهنی محسوب می‌شود و فاعلیت در تشکیل آن نقش دارد؛ بنابراین واقعیت از نظر سازه‌انگاران واقعیت ساخته شده ذهن است. این ذهن به اجتماع نیز ارتباط پیدا می‌کند. پس سازه‌انگار زمانی وارد واقعیت سیاسی می‌شود که همه واقعیت‌ها را ساخته شده می‌داند. این اندیشه استقلال امر عینی از ذهنیت را نفی می‌کند و امکان شناخت استعلایی، عام و جدا از ارزش را مردود می‌داند. سازه‌انگاران معتقدند که جهان در «دنیا» برساخته می‌شود و شناخت نیز محصول انفعال ذهن به شمار می‌آید که از مشارکت فعالانه آن جهان به دست می‌آید. این ذهن به نوبه خود امری تکوین یافته است و جهان را بر اساس جامعه، تاریخ و هویت خود می‌سازد و به شناخت دسترسی پیدا می‌کند (Lesser and Etal, 2000: 24-48).

نگرش سازه‌انگاری در حوزه سیاست خارجی بر این باور است که تصور بازیگران سیاسی از توزیع قدرت کنشگران دیگر فراسوی توزیع عینی قدرت قرار گرفته است. این برداشت‌ها برآمده از برداشت یک ملت به شمار می‌آید که ایشان را به برقراری رابطه با محیط قادر می‌سازد. هویت موجب می‌شود که ملت‌ها جهان را معنادار مشاهده کنند، به بخش‌بندی سایر موجودیت‌ها اقدام کنند و واقعیتی سلسله‌مراتبی ایجاد کنند که بر اساس آن «خود» و «دیگری» مورد تعریف قرار می‌گیرد. دوست و دشمن نیز بر اساس این هویت مشخص می‌شود. جهان برساخته دلالت‌های ارزشی به همراه دارد که رفتارهای یک ملت را شکل می‌دهد. بازیگران سیاسی نیز برساخته اجتماعی محسوب می‌شوند و در این ذهنیت جمعی شرکت می‌کنند. آن‌ها جهان را در این چارچوب فهم می‌کنند و دوستان و دشمنان خود را مشخص می‌سازند. منافع و تهدیدهای بازیگران سیاسی نیز در این راستا تعریف می‌شود و اقدامات خارجی آن‌ها شکل می‌یابد (Frank, 2012: 59-80).

دولت‌ها و ملت‌ها در چارچوب این تعاریف وضعیت حاضر در نظام بین‌الملل را «قابل تحمل» یا «غیرقابل تحمل» می‌دانند و بازیگران دیگر در جایگاه دوست، دشمن و بی‌طرف مورد تقسیم قرار می‌گیرند. کنش‌های واحدهای سیاسی بر این اساس به‌عنوان «تهدید» یا «الهام دوستی» دانسته می‌شود. آن‌ها با برداشت‌های خود به دنبال «تغییر» یا «حفظ» نظم موجود تلاش می‌کنند. کنشگران سیاسی به این ترتیب با بازیگران دیگر به اتحاد می‌رسند یا علیه آن‌ها دست به اقدام می‌زنند. میزان دوستی و دشمنی بازیگران سیاسی به برداشت‌های آن‌ها بستگی دارد. آن‌ها بر این اساس موقعیت‌ها را برای خویش معنادار می‌سازند و حوزه‌های نفوذ خود را مشخص می‌کنند. واحدهای سیاسی در این چارچوب ضرورت‌ها و نیازهای خویش را تعریف می‌کنند و در یک جمله کوتاه «سیاست خارجی خویش را ایجاد می‌کنند» (Steve, 2011: 38-39).

گفتار مذکور به معنای شباهت دیدگاه سازه‌انگاران به نگرش لاکي^۱ نیست؛ چرا که ساخته‌شدن سیاست خارجی واحدهای سیاسی در این فرایند برعکس دیدگاه لاک بر اساس فهم عینی تهدیدها و فرصت‌ها انجام نمی‌شود، بلکه به برداشت‌های ذهنی دولت‌ها و کارگزاران نظام بین‌الملل بستگی دارد.

برخی از اندیشمندان سازه‌انگاری را به دوشاخه تقسیم‌بندی کرده‌اند. دوشاخه مذکور اونفی^۲ و ونتی^۳ یا رادیکال و متعارف هستند. آن‌ها بر این باور هستند که کاترین سیکینگ^۴، مارتا فینمور^۵ و پیتر کاتزنشتاین^۶ گروه اصلی نظریه پردازان سازه‌انگاری را تشکیل می‌دهند که همچون الکساندر ونت مفاهیم اساسی موجود در روابط بین‌الملل را از دیدگاه متفاوت خویش موردپذیرش قرار داده‌اند. متفکرانی همانند کراتوکویل^۷، راگی^۸، اونف و ریچارد اشلی^۹ از جمله سازه‌انگاران رادیکال به شمار می‌آیند که به موضوعات گفتمانی و زبان‌شناختی متمرکز هستند.

یکی از نظریه‌هایی که در بین اندیشمندان سازه‌انگاری شهرت بیشتری یافته است، نظریه ونت محسوب می‌شود؛ چرایی این موضوع به توانمندی نظریه مذکور در تبیین مسائل موجود در فضای بین‌الملل برمی‌گردد. همین امر دلیلی بر بهره‌برداری بیشتر از نظریه ونت در تفسیرهای برخاسته از سازه‌انگاری است (هینه بوش، ۱۳۹۴: ۲۸۹-۲۹۰).

مسئله هویت بازیگران سیاسی از موضوعات مهم در سطح هستی‌شناسی این نظریه محسوب می‌شود و حتی اهمیت نظریه سازه‌انگاری در بین نظریه‌های روابط بین‌الملل نیز توجه جدی این رهیافت به هویت کنشگران سیاسی است. کنشگران بر اساس این هویت در سطح نظام بین‌الملل برداشت‌های خویش را از بازیگران دیگر تعیین می‌کنند. آن‌ها اهداف خود را نیز در این چارچوب مشخص می‌نمایند و بر طبق آن به کنشگری اقدام می‌کنند. در حقیقت روابط بین بازیگران سیاسی در چارچوب معنایی است که ایشان برای یکدیگر قائل هستند. هویت از دیدگاه سازه‌انگاران دو معنای متفاوت دارد که معنای نخست به هویت جمعی و دیگری به هویت اجتماعی می‌پردازد. به‌عبارت‌دیگر هر هویت در نظریه‌هایی ریشه دارد که بازیگران سیاسی در مورد خود یا کنشگران دیگر دارند.

۳- پیشینه پژوهش

پژوهش‌های پیشین عمدتاً به مواضع حزب عدالت و توسعه در قبال جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند و هیچ‌یک از مقالات، کتب و پایان‌نامه‌ها تاکنون به بررسی مواضع حزب جمهوری‌خواه خلق در قبال جمهوری اسلامی ایران نپرداخته‌اند؛ لذا پژوهش حاضر در این حوزه دارای نوآوری است. از آنجایی که حزب جمهوری‌خواه خلق به‌عنوان دومین حزب بزرگ پارلمان ترکیه جایگاه مهمی در این کشور دارد، عدم پرداختن به مواضع این حزب باعث می‌

1. John Locke

2. onuf

3. wendt

4. Catherine Sakin

5. Marta Vinmor

6. Peter Katzenstein

7. Kratokeal

8. John Ragi

9. Richard Ashley

شود که شناخت صحیحی از رویکردهای آن‌ها به دست نیاید. امکان حضور حزب جمهوری خواه خلق در دولت-های آینده ترکیه به صورت مستقل یا ائتلافی ضرورت بررسی مواضع این حزب را روشن می‌سازد.

۴- تاریخچه حزب جمهوری خواه خلق

حزب جمهوری خواه خلق^۱ نخستین حزب سیاسی جمهوری ترکیه است. این حزب به‌عنوان مهم‌ترین حزب چپ میانه ترکیه محسوب می‌شود. ملی‌گرایی، اعتقاد به لائسیته و شناخته شدن به‌عنوان یک حزب سوسیال‌دموکرات از مشخصه‌های آن به شمار می‌آید. حزب جمهوری خواه خلق عضو انجمن جهانی انترناسیونال سوسیالیست است. این انجمن به دنبال ایجاد دموکراسی سوسیالیستی است. این حزب همچنین عضویت در سوسیالیست‌های اروپایی را در کارنامه دارد. مصطفی کمال آتاتورک^۲ در نهم سپتامبر سال ۱۹۲۳ حزب جمهوری خواه خلق را تأسیس کرد. این حزب به‌عنوان حزب اصلی اپوزیسیون ترکیه در حال حاضر (۲۰۱۸) ۱۳۴ کرسی از مجموع ۵۵۰ کرسی مجلس ملی کبیر ترکیه را در اختیار دارد.

کمال آتاتورک که به‌عنوان «بنیان‌گذار جمهوری ترکیه» خوانده می‌شود، ترکیه را در مسیری هدایت کرد که بیش‌ازپیش از فرهنگ خویش به دور افتاد. آتاتورک نه‌تنها تاریخ این کشور، بلکه دین، فرهنگ و حتی زبان مردم این سرزمین را به مسلخ تجدد کشاند. مصطفی کمال پاشا در ۲۹ اکتبر ۱۹۲۳ میلادی اصلاحیه مبنی بر اعلام جمهوری پیشنهاد داد که به‌موجب آن رئیس‌جمهور از سوی مجلس کبیر ملی انتخاب می‌شد. بلافاصله آتاتورک به‌عنوان نخستین رئیس‌جمهور ترکیه انتخاب شد. او از تاریخ مذکور تا ۱۰ نوامبر ۱۹۳۸ ریاست جمهوری در ترکیه را بر عهده داشت (Eagleton, 2000: 94-95). مصطفی کمال پاشا حزبی تحت عنوان «حزب جمهوری خواه مردم» تأسیس کرد که خود در رأس آن قرار داشت. این حزب تا سال ۱۹۴۶ تنها حزب موجود ترکیه محسوب می‌شد. بنیان‌گذار ترکیه نوین سرمایه‌های ارزشمند فرهنگی و معنوی پیشینیان این کشور را با در پیش گرفتن جدایی دین از سیاست به ثمن بخش نثار غرب‌گرایان کرد که به دنبال تسلیم ترکیه بودند. آن‌ها چندین دهه دولت و ملت ترکیه را به سراب اروپا مشغول ساختند. القاء هراس از ابرقدرت کمونیست دستاویزی برای حرکت به سمت ابرقدرت امپریالیست غربی شد.

حزب جمهوری خواه خلق پیش‌ازاین عناوین دیگری داشته است. این حزب در ابتدا فرقه خلق و بعدازآن فرقه جمهوری خواه خلق نامیده می‌شد و از بیست و نهم اردیبهشت ۱۳۱۰ (نوزدهم مه ۱۹۳۱) به‌عنوان حزب جمهوری خواه خلق خوانده می‌شود (Agaoglu, 2000: 21-22). تشکیل حزب جمهوری خواه خلق به «جمعیت دفاع از حقوق آناتولی و روم‌ایلی» مربوط می‌شود؛ بااین‌حال این حزب به‌طور رسمی در هجدهم شهریور سال ۱۳۰۲ (نهم سپتامبر ۱۹۲۳) تشکیل شد (Agaoglu, 2000: 29-30). این جمعیت از پیوند گروه‌های خودجوش دفاع از حقوق و رد الحاق شکل گرفته است. آن‌ها این گروه را در جنگ جهانی اول بعد از تسلیم شدن عثمانی برای مقابله با اشغالگران در مناطقی از آناتولی که بیشتر ترک‌نشین بودند، تشکیل دادند. مصطفی کمال پاشا در شعبان ۱۳۳۷ (مه ۱۹۱۹) برای سامان دادن به جنبش مقاومت به سمت آناتولی حرکت کرد (Feroz, 2002: 65-66). او در میان

۱. Cumhuriyet Halk Partisi

۲. Atatürk

گروه‌های پراکنده مقاومت ارتباط ایجاد کرد و به سازمان‌دهی گروه‌های جدید اقدام کرد. مصطفی کمال پاشا به دنبال اداره جمعیت دفاع از حقوق آناتولی و روم ایلی بود که برای این منظور ریاست گروه نمایندگان منتخب همایش سیواس^۱ (سیواس کنگره سی^۲) را بر عهده گرفت. این همایش به دنبال اقدامات مصطفی کمال پاشا برای سامان دادن به این جمعیت‌ها تشکیل شد.

کمال قلیچ دار اوغلو^۳ رهبر کنونی حزب جمهوری‌خواه خلق است. این حزب در حال حاضر به‌عنوان اپوزیسیون اصلی حزب حاکم محسوب می‌شود. قلیچ دار اوغلو از مه سال ۲۰۱۰ از سوی کنگره حزب جمهوری‌خواه خلق به‌عنوان ریاست حزب برگزیده شده است. او هفتمین رهبر نخستین حزب ترکیه است که جانشین دینز بایکال شد.

۵- جایگاه و اهمیت حزب جمهوری‌خواه خلق

ترکیه جایگاهی استراتژیک در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارد؛ لذا بررسی مواضع احزاب سیاسی این کشور در قبال کشورمان از اهمیت بسزایی برخوردار است. در حال حاضر چهار حزب بزرگ تحت عنوان حزب عدالت و توسعه، حزب جمهوری‌خواه خلق، حزب دموکراتیک خلق‌ها^۴ و حزب حرکت ملی^۵ در مجلس ملی ترکیه حضور دارند که دارای بیشترین تأثیر در آرایش سیاسی این کشور هستند. حزب عدالت و توسعه به‌عنوان حزب حاکم این کشور از سال ۲۰۰۲ قدرت را در دست دارد. دومین حزب بزرگ ترکیه حزب جمهوری‌خواه خلق است که اولین حزب جمهوری نوین ترکیه محسوب می‌شود و از سوی آتاتورک تأسیس شده است. این حزب بزرگ‌ترین اپوزیسیون آک‌پارتی^۶ در مجلس این کشور است.

از آنجایی که حزب جمهوری‌خواه خلق دومین حزب بزرگ پارلمان ترکیه است، امکان حضور این حزب در دولت‌های ائتلافی یا دولت مستقل وجود دارد؛ لذا بررسی مواضع این حزب در قبال جمهوری اسلامی ایران دارای اعتبار بالایی است. پژوهش‌های پیشین عمدتاً به مواضع حزب عدالت و توسعه در قبال جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند و از بررسی مواضع احزاب دیگر حاضر در پارلمان ترکیه غفلت کرده‌اند، بر این اساس انجام پژوهش حاضر برای بررسی جامع مواضع حزب جمهوری‌خواه خلق ضروری به نظر می‌رسد.

۶- انگاره‌های هویتی حزب جمهوری‌خواه خلق

حزب جمهوری‌خواه خلق به‌عنوان نخستین حزب جمهوری ترکیه بنیان‌های این جمهوری را شکل داد؛ به‌گونه‌ای که انگاره‌های هویتی این حزب اصول بنیادین جمهوری ترکیه محسوب می‌شد. گرچه رهبران کنونی حزب جمهوری‌خواه خلق به اصولی که در عمل طی سال‌های نخست تشکیل جمهوری ترکیه تأکید بسیاری ندارند؛ اما

1. Sivas Congress

2. Sivas Kongresi

3. Kemal Kılıçdaroğlu

4. Halkların Demokratik Partisi (HDP)

5. Milliyetçi Hareket Partisi (MHP)

6. AKP

نمی‌توان این اصول را در حال حاضر در مورد این حزب نادیده گرفت. حزب جمهوری خواه خلق تا سال ۱۹۶۶ به‌عنوان تنها حزب رسمی جمهوری ترکیه یک‌تازی می‌کرد؛ اما موقعیت انحصاری این حزب به دنبال به وجود آمدن نظام چندحزبی در این سال به پایان رسید. این موضوع باعث شد که احزاب برای دست یافتن به قدرت سیاسی مجبور به رقابت سیاسی باشند. انگاره‌های هویتی حزب جمهوری خواه خلق در این قسمت مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

۶-۱ کمالیسم

حزب جمهوری خواه خلق (آتاتورک) نهم سپتامبر ۱۹۲۳ حزب جمهوری خواه خلق را تأسیس کرد. این حزب به‌عنوان نخستین حزب جمهوری ترکیه تحت تأثیر مستقیم اندیشه‌های آتاتورک شکل گرفته است؛ لذا کمالیسم به‌عنوان مهم‌ترین انگاره هویتی آن محسوب می‌شود. این اندیشه باعث شده است که حزب جمهوری خواه خلق بر اساس ایدئولوژی مخصوص به خود را داشته باشد. از آنجایی که فضای سال‌های نخست جمهوری ترکیه تحت سلطه آتاتورک و حزب متبوع وی بوده، حزب جمهوری خواه خلق بیشترین تأثیر را بر ساختار سیاسی سال‌های اولیه حکومت ترکیه داشت.

کمالیسم ایدئولوژی یک‌تاز بعد از تشکیل جمهوری ترکیه به‌صورت تهاجمی بر ارکان این کشور تأثیر گذاشت. حتی مدرنیزاسیون ترکیه نیز در قالب اندیشه کمالیستی تعریف می‌شد؛ لذا تجدد به شکل امری در این کشور اجرا می‌شد. حوزه‌های سیاسی به دنبال اجرای مدرنیته با محدودیت روبه‌رو شد. نگاه ویژه‌ای که کمالیسم ترویج می‌کرد، طبقات سیاسی در راستای نیازهای دولت قرار می‌گرفتند. بر این اساس خلق هویت‌های جدید غیرقابل تحمل بود و توده‌ها سیاسی سازی نمی‌شدند. کمالیسم فعالیت‌های سیاسی را برنمی‌تابد و نسبت به این امور نوعی بی‌اعتمادی وجود دارد.

کمالیسم پروژه‌ای محسوب می‌شود که به دنبال مدرنیته است. هدف اصلی که این پروژه بر عهده دارد، اجرای مدرنیزاسیون به شکلی دستوری است. به‌عبارت‌دیگر این اندیشه تلاش می‌کند به‌صورت مهندسی شده دست به تحولات بزند؛ به‌گونه‌ای که اجرای فرامین آن از سوی نهادهای حاکم است (Gole, 2007: 81-94). سوسیالیسم دولتی و پوپولیسم از جمله اصول کمالیسم خوانده می‌شود. این اندیشه با تأکید بر ناسیونالیسم ترک به دنبال زدودن مذهب در جامعه است (Yavuz, 2000: 21-43). کمالیسم نقشی وحدت‌بخش برای اسلام قائل است که می‌تواند توده‌های مختلف را زیر یک چتر جمع کند؛ اما این اعتقاد برگرفته از پذیرش اصول اسلامی نیست، بلکه ایدئولوژی کمالیسم در تضاد با اسلام فهم می‌شود (Yavuz, 2000: 21-43).

حزب جمهوری خواه خلق با تأکید بر دکترین کمالیسم با اصلاحات دموکراتیک موافق نیست. آن‌ها دلیل مخالفت خود را حفظ امنیت ملی می‌دانند. بر این اساس کمالیست‌ها برخلاف ادعای خود به اجرای مدرنیته غربی، اراده‌ای جدی برای پیوستن به اتحادیه اروپا ندارند (Kuru, 2009: 2). کمالیست‌ها مخالف تضعیف نقش نهادهای حاکم و خصوصی سازی گسترده هستند. آن‌ها گسترش بنگاه‌های محلی را نیز تجویز نمی‌کنند. حزب جمهوری خواه خلق در حالی به چنین اندیشه‌هایی معتقد است که شاخص‌های ارائه شده اتحادیه اروپا به اقتصاد بازار آزاد و حقوق بشر تأکید دارند. این موضوع نشان‌دهنده عدم پذیرش این شاخص‌ها از سوی کمالیست‌ها است (Aydin, 2000: 6). تضاد موجود در اینجا از تضادهای داخلی کمالیست‌ها ایجاد می‌شود. به نظر می‌رسد ماهیت غرب‌گرایی حزب

جمهوری‌خواه خلق به اصول غربی از یک‌طرف و خواست ملی از طرف دیگر توجه چندانی ندارد. این حقیقت بنیان‌های کمالیسم را با تردیدهایی همراه می‌سازد؛ لذا اجرای دموکراسی رابطه مستقیمی با رشد قدرت کمالیستی ندارد. هر اندازه که جامعه مدنی قدرت بیشتری پیدا کند، دکترین کمالیسم قدرت مانور پایین‌تری خواهد داشت. عدم موفقیت این ایدئولوژی طی سال‌های اخیر نیز برخاسته از تضادهای درونی آن است که نمی‌تواند قدرت اجتماعی را با خود همراه سازد. اسلام‌گرایان به‌ویژه حزب عدالت و توسعه از این موضوع به‌خوبی استفاده کرده‌اند و مانع رشد کمالیسم در جامعه ترکیه شده‌اند.

۶-۲ غرب‌گرایی

غرب‌گرایی از مهم‌ترین انگاره‌های هویتی حزب جمهوری‌خواه خلق محسوب می‌شود. در حقیقت این عنصر از ابتدای تأسیس جمهوری ترکیه مورد توجه این حزب بوده است. کلید خوردن طرح غرب‌گرایی در ترکیه با اجرایی شدن اندیشه‌های حزب جمهوری‌خواه خلق همراه می‌شود. نخبگانی که در اواخر امپراتوری عثمانی به دنبال ایجاد تغییرات در ساختار سیاسی و اجتماعی این امپراتوری بودند، غرب را به‌عنوان منشأ تمدنی نمی‌دانستند، بلکه آن را چارچوبی عمل‌گرایانه برای نجات امپراتوری تلقی می‌کردند. بر این اساس نخبگان جدید جمهوری ترکیه که در قالب حزب واحد تحت عنوان جمهوری‌خواه خلق بر این کشور حکومت می‌رانند، غرب‌گرایی را به‌عنوان پروژه ای که برای تمدن‌سازی می‌توان از آن بهره برد، به شمار می‌آوردند. اصلاحات آتاتورک در ترکیه با چشم‌انداز غرب‌گرایی مشروعیت داده شده بود. تلاشی که رهبران ترکیه طی دهه‌های گذشته برای پیوستن به اتحادیه اروپا داشته‌اند، اقدامی است که در چارچوب غرب‌گرایی و به‌عنوان میراث حزب جمهوری‌خواه خلق دنبال می‌شود. ایشان اتحادیه اروپا را به‌عنوان سطحی از تمدن در نظر گرفته‌اند که با اصلاحات در ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به دنبال رسیدن به آن سطح هستند. در حقیقت شاخص‌هایی که ترکیه پیش روی خود قرار داده است، شاخص‌های متناسب با اتحادیه اروپا است (Gulalp, 2001: 433-448).

غرب‌گرایی تهدیدی علیه نهادهای اعتقادی و مدنی محسوب می‌شود؛ چراکه استانداردهای تعریف‌شده در این زمینه بر اساس شاخص‌های پذیرفته‌شده در غرب از جمله اتحادیه اروپا است. این موضوع به‌اندازه‌ای از سوی اندیشه کمالیسم و حزب جمهوری‌خواه خلق ترویج شده است که امروزه نیز دولت حاکم ترکیه کمابیش در این زمینه گام برمی‌دارد.

هویت جامعه ترکیه اصلی‌ترین مانع در برابر پروژه غرب‌گرایی محسوب می‌شود؛ چراکه عوامل این پروژه اصلاحات مدنظر خود را نتوانست از سطح جامعه آغاز کند. این موضوع باعث شد که تجدد از سوی نهادهای حاکم به سطح توده‌ها اعمال شود (Kubicek, 2009: 157-173). تجربه‌ای که در کشورهای غربی وجود داشت، ارزش‌هایی چون آزادی به دنبال گسترش طبقه متوسط برجسته می‌شد؛ اما چنین پیش‌نیازهایی در جامعه ترکیه مشاهده نمی‌شود. این کشور طبقه تجاری بزرگی برای به وجود آوردن سیستم اقتصادی مدرن نداشت. علاوه بر آن طبقه کارگر شهری گسترده‌ای نیز برای مطرح کردن درخواست‌های عدالت اجتماعی مشاهده نمی‌شد (Ergil, 2000: 43-62). اصلاحات صورت گرفته در ترکیه از سوی دولت و رهبران سیاسی بوده است؛ لذا پروژه غرب‌گرایی توان گسترده‌تر شدن در جامعه ترکیه ندارد.

تمدن غربی در حالی از سوی حزب جمهوری خواه خلق پیگیری می‌شود که بدیلی برای آن ارائه نمی‌شود. تصمیم اقتدار سیاسی برای حرکت به سمت تمدن غربی موجب آزردن خاطر شدن معتقدان به تمدن اسلامی می‌شود (Gole, 2005: 21) نکته مهمی که نیازمند تأمل است، عبارت است از اینکه مدرنیزاسیون در اندیشه حزب جمهوری خواه خلق با غرب‌گرایی یکسان دانسته شده است. این موضوع در حالی است که مدرنیزاسیون غربی در جوامعی رخ داده است که با آن تناسب داشته است؛ لذا کاربرد آن در هر نقطه‌ای از جهان پسندیده نیست. در حقیقت باور به فراگیری و جهان‌شمول بودن مدرنیته غربی نوعی سرگشتگی محسوب می‌شود. چنین تفکری حالتی از گسیختگی اونتولوژیک^۱ و اپیستمولوژیک^۲ را به دنبال دارد و موجب ایجاد بحران هویتی می‌شود. این بحران در سطح تمدنی نیز می‌تواند تأثیرگذار باشد (Gurdogan, 2008: 3).

غرب‌گرایی ترویج‌شده در این حزب به‌گونه‌ای بود که هویت‌های ملی ترکی نیز موردتهاجم قرار گرفته بود. گذشته ترکیه از جمله دوران عثمانی بر اساس این پروژه به فراموشی سپرده می‌شود. اقداماتی که در سال‌های نخست تأسیس جمهوری ترکیه انجام شد، این موضوع را به‌خوبی به نمایش می‌گذارد. جامعه ترکیه به دنبال این اقدامات از گذشته اسلامی و ملی خویش گسسته شد.

۶-۳ سکولاریسم

آتاتورک به‌عنوان مؤسس حزب جمهوری خواه خلق تلاش بسیاری برای زدودن شعائر اسلامی در ترکیه داشت. وی در سال ۱۹۲۳ خلافت را ملغی اعلام کرد. ممنوعیت پوشش‌های اسلامی در سال ۱۹۲۵، وارد ساختن قوانین مدنی سوئیس به‌جای قوانین اسلامی در سال ۱۹۲۶، تغییر رسم‌الخط ترکی در سال ۱۹۲۸ و عدم پذیرش اسلام به‌عنوان دین رسمی در سال ۱۹۲۸ از جمله اقدامات آتاتورک در راستای اصلاحات کمالیستی بود (Macfie, 2004: 140).

سکولاریسمی که از سوی حزب جمهوری خواه خلق دنبال می‌شد، صرفاً جدایی نهاد دین و دولت نبود، بلکه این حزب پا را فراتر گذاشته بود و دین را تسلیم‌شده دولت محسوب می‌کرد. بر این اساس این حزب نوعی از اسلام دولتی را دنبال می‌کند که با نظام سکولار چالشی نداشته باشد. حزب جمهوری خواه خلق ماهیت اسلام را تغییر می‌دهد و آن را با اصول مشروعیت در جمهوری ترکیه سازگار می‌کند (Davidson, 2003: 50-333).

سکولاریسم ترویج‌شده از سوی حزب جمهوری خواه خلق صرفاً به دنبال کنار گذاشتن اسلام در حوزه عمومی نبود، بلکه این امر در حوزه خصوصی نیز پیگیری می‌شد. بر این اساس دولت برخاسته از چنین اندیشه‌ای به‌عنوان دشمن اسلام دانسته می‌شود.

حزب جمهوری خواه خلق معتقد بر سکولاریزاسیون دولتی است؛ این در حالی است که تجددخواهی نیز در عصر امروز به‌صورت دولتی انجام نمی‌شود، بلکه روش‌های مشارکتی برای این موضوع پیش‌بینی می‌شود. به نظر می‌رسد که دکترین ترویج‌شده از سوی کمالیسم فراروایتی تلقی می‌شود که اموری را به‌عنوان پسندیده یا ناپسند مشخص می‌سازد؛ باین‌حال باور به چنین فراروایت‌هایی در زمان کنونی موردپذیرش نیست (Bulac, 2007: 26).

^۱. Ontological

^۲. Epistemological

نتیجه اقدامات حزب جمهوری‌خواه خلق در ترکیه طی سال‌های اخیر خود را به نمایش گذاشت. به قدرت رسیدن اسلام‌گراها در ترکیه پاسخ سنگینی به انگاره هویتی سکولاریستی بود. سیاست‌هایی که به دنبال مذهب زدایی و زدودن هنجارهای دینی در ترکیه بودند، موجب شدت گرفتن غیریت سازی شد. جامعه ترکیه از این سیاست‌ها استقبال نکردند؛ لذا بدنه مذهبی جامعه نهادهای حاکم را به‌عنوان دشمن ارزش‌های خود مشاهده کرد. اقداماتی که در ابتدای تأسیس حزب جمهوری‌خواه خلق دنبال شد، تحمیل اهداف سکولاریسمی بر مردم ترکیه بود. این اقدامات در قالب دولت و به‌صورت دستوری انجام می‌شد.

نهاد حاکم در زمان حزب جمهوری‌خواه خلق سکولاریزاسیون و ناسیونالیسم ترکی را به‌صورت جدی با مردم ترکیه مطرح نساخته بود (Ergil, 2000: 53). رهبران این حزب به دنبال تشکیل دولتی قدرتمند بودند که مخالفان خویش را از این طریق حذف کند (Barkey, 2005: 87-105).

مخالفت‌های حزب جمهوری‌خواه خلق با نهاد دین در عمل موفقیت چندانی به دست نیاورد؛ چراکه این حزب نتوانست اسلام‌گرایی را از جامعه ترکیه حذف کند. نهادهای حاکم این حزب توانستند صرفاً دین را در حوزه عمومی محدود کنند؛ لذا گروه‌های غیررسمی امکان گسترش آموزه‌های را داشتند. گروه‌هایی چون نورسوا^۱ و نقشبندیه^۲ در این زمینه به آموزش این مفاهیم پرداختند. زمانی که کمالیست‌ها در قالب حزب جمهوری‌خواه خلق حاکم بودند، اسلام به‌عنوان هویتی مخفی در جامعه ترکیه حضور داشت که این موضوع موجب شد بومی‌سازی گسترده در این زمینه انجام گیرد (Yavuz, 2000: 21-43). این موضوع باعث شد که هژمونی کمالیسم و حزب جمهوری‌خواه خلق بنیان‌های مستحکم در جامعه ترکیه نداشته باشد. اعتبار یک گفتمان از شروط لازم برای گسترده‌تر شدن آن گفتمان به شمار می‌آید؛ لذا اصول گفتمان نمی‌تواند با بستر اجتماعی سازگاری نداشته باشد (Iaclau, 2007: 66). مخالفت‌های کمالیست‌ها با اصول اسلامی معتقدان به ارزش‌های اسلامی را در مقابل آن‌ها قرار داد.

حزب جمهوری‌خواه خلق طی سال‌های اخیر تلاش می‌کند چهره ضد دینی خود را بزدايد؛ لذا مواضعی که از سوی این حزب اتخاذ می‌شود، این موضوع نمایان می‌شود. البته می‌توان گفت که یکه‌تازی حزب عدالت و توسعه در صحنه قدرت سیاسی ترکیه باعث شده است که احزاب دیگر به دنبال کسب آرای قشر مذهبی ترکیه نیز باشند؛ لذا برخی از مواضع اعلامی حزب جمهوری‌خواه خلق در قبال اسلام‌گراها می‌تواند از این زاویه تحلیل شود.

۶-۴ ناسیونالیسم

حزب جمهوری‌خواه خلق با تأکید بر دولت - ملت از آن به‌عنوان رکن اصلی پروسه تجدد حمایت می‌کند. این اندیشه حاکمیت الهی را کنار می‌گذارد و از اقتدار مدرن پشتیبانی می‌کند. این مسئله باعث می‌شود که توده مردم به‌عنوان منبع مشروعیت ساز مورد تأکید باشند (Keyman, 2009: 177).

ترویج ناسیونالیسم باعث می‌شود که دین به‌عنوان امری جهان‌شمول نگرسته نشود؛ لذا بیش‌ازپیش به واحدهای سیاسی تأکید می‌شود. پیگیری ناسیونالیسم نوعی تلاش برای مشروعیت دادن به سکولاریسم و دولت ایجادشده از آن نیز دانسته می‌شود. باین‌حال پذیرش این موضوع در جامعه‌ای مسلمان به‌آسانی امکان‌پذیر نیست. جامعه ترکیه

¹. Norso

². Naqshbandiyya

نیز پذیرش چندانی نسبت به این قضیه نداشته است. ناسیونالیسم ترک تلاش می‌کند که شهروندانی با ویژگی‌های اشتراکی در زبان و فرهنگ به وجود آورد.

جایگاهی که نظامیان بعد از تأسیس جمهوری ترکیه در این کشور پیدا کرده بودند، پشتوانه جدی حزب جمهوری خواه خلق به شمار می‌آمد؛ لذا هر زمانی که دولت‌ها از اصول کمالیسم عقب‌نشینی می‌کردند، نظامیان در عرصه سیاسی دخالت می‌کردند. وقوع کودتاها طی بازه‌های زمانی مختلف از این واقعیت حکایت دارد که نظامیان به دنبال تأثیرگذاری بر صحنه سیاسی بودند. بعد از اصلاح قانون اساسی و تداوم قدرت حزب عدالت و توسعه در ترکیه مشاهده می‌شود که حضور نظامیان در صحنه سیاسی این کشور کمتر شده است. ناکامی کودتای پانزدهم جولای ۲۰۱۶ نیز نشان داد که نظامیان همچون گذشته نمی‌توانند بر سیاست ترکیه تأثیرگذار باشند. این موضوع گویای این واقعیت است که انگاره هویتی حزب جمهوری خواه خلق درباره ناسیونالیسم همچون گذشته نمی‌تواند در بین بدنه اجتماعی جایگاه جدی داشته باشد. ایده ناسیونالیسم در جهان امروزی که مرزهای جغرافیایی اهمیت پیشین خود را از دست می‌دهد، توان بسیج‌کنندگی لازم را ندارد. ایده جهان‌وطنی در مقابل اندیشه ناسیونالیسم قرار می‌گیرد. افزایش ارتباطات بین ملت‌ها گسترده‌تر شدن چنین ایده‌ای را فراهم می‌سازد.

۷- نقش انگاره‌های هویتی حزب جمهوری خواه خلق در مواضع این حزب

انگاره‌های هویتی حزب جمهوری خواه خلق نشان می‌دهد که کمالیسم با ایدئولوژی جمهوری اسلامی ایران متفاوت است. کمالیسم به دنبال مدرنیزاسیون و تجددخواهی در ترکیه بود؛ لذا بنیان‌های ملی و مذهبی ترکیه به دنبال این اندیشه به فراموشی سپرده می‌شد. تأکید این حزب بر میراث آتاتورک موجب شد که اقدامات دستوری در جمهوری ترکیه انجام گیرد. گرچه در حال حاضر حزب جمهوری خواه خلق از اندیشه‌های افراطی کمالیسم کوتاه آمده است؛ اما نمی‌تواند به‌عنوان حزبی که مؤسس آن آتاتورک بود، همه اصول آن را نادیده بگیرد. این انگاره هویتی تناسبی با اندیشه حاکم بر جمهوری اسلامی ندارد.

غرب‌گرایی از انگاره‌های هویتی دیگر حزب جمهوری خواه خلق محسوب می‌شود که از زمان آتاتورک با جدیت تمام اجرا شده است و در حال حاضر نیز تداوم می‌یابد. این موضوع به‌گونه‌ای در بین نخبگان این حزب و حتی دولتمردان ترکیه اهمیت داشته است که تلاش برای پیوستن به اتحادیه اروپا طی دهه‌های گذشته ادامه داشته است. در حقیقت اندیشه‌ای که در پشت غرب‌گرایی حزب جمهوری خواه خلق وجود دارد، عبارت است از اینکه برای رسیدن به تمدن غربی باید به سطحی از پیشرفت و توسعه دست یافت. این موضوع به این معنا است که تمدن اسلامی و ملی ترکیه به فراموشی سپرده می‌شود و تمدن غربی به‌عنوان تمدن مطلوب ترسیم می‌شود. پذیرش چنین انگاره‌ای در تضاد کامل با رویکرد جمهوری اسلامی ایران است؛ چراکه جمهوری اسلامی ایران معتقد به پی‌ریزی تمدن بزرگ اسلامی است که برای رسیدن به آن مراحل باید طی شود. شاخص‌هایی که برای رسیدن به تمدن بزرگ اسلامی وجود دارد، با شاخص‌های تمدن غربی تفاوت عمده‌ای پیدا می‌کند.

سکولاریسم رویکرد هویتی دیگری است که از سوی حزب جمهوری خواه خلق دنبال می‌شود. این اندیشه به تفکیک نهاد دین و دولت تأکید می‌کند. گرچه حزب جمهوری خواه خلق در زمان حضور در قدرت سیاسی نیز

نتوانست به‌صورت کامل به هدف خود در مورد سکولاریزاسیون دست پیدا کند؛ اما این موضوع به معنای دست کشیدن از این هدف نبود، بلکه جامعه دینی ترکیه اجازه تحقق کامل آن را نداد. نهادهای حاکم حزب جمهوری‌خواه خلق تلاش داشتند یک نوع اسلام دولتی ایجاد کنند. به‌عبارت‌دیگر این حزب تلاش داشت اندیشه اسلامی حاضر در ترکیه با نظام سکولار سازگار باشد. چنین اقداماتی باعث شد که قوه اجرایی حزب جمهوری‌خواه خلق پا را فرا نهد و به حوزه خصوصی نیز دخالت کند. با این حال این حزب صرفاً در حوزه عمومی توانست محدودیت‌هایی را اعمال کند. رفتارهای ضد دینی حزب جمهوری‌خواه خلق باعث شد که قشر مذهبی ترکیه از این اقدامات رنجیده‌خاطر شوند. اندیشه سکولاریستی که از سوی این حزب دنبال می‌شد، در بدنه اجتماعی ترکیه مورد پذیرش قرار نگرفت؛ لذا نتوانست پایایی لازم را داشته باشد. پیروزی حزب عدالت و توسعه و یکه‌تازی آن در صحنه قدرت سیاسی ترکیه نشانه‌ای از عدم پذیرش اندیشه سکولاریزاسیون از سوی مردم این کشور است. این انگاره هویتی نیز در تقابل با رویکرد جمهوری اسلامی ایران قرار دارد.

ناسیونالیسم رویکرد هویتی دیگری است که از سوی حزب جمهوری‌خواه خلق پیگیری می‌شود. اندیشه حاکمیت الهی در چنین دیدگاهی کنار گذاشته می‌شود و توده‌های مردمی به‌عنوان عامل مشروعیت ساز مورد توجه قرار می‌گیرد. جهان‌شمول بودن دین اسلام تفکر ناسیونالیستی را نمی‌پذیرد؛ چراکه در اندیشه دینی امت به‌جای واحدهای سیاسی مورد تأکید است. علاوه بر آن اندیشه‌های جهان میهنی نیز در تقابل با تفکرات ناسیونالیسم هستند. امروز ارتباطات ملت‌ها به مرزهای جغرافیایی آن‌ها محدود نشده است؛ لذا ناسیونالیسم در جامعه امروزی حمایت چندانی پیدا نمی‌کند. تأکید حزب جمهوری‌خواه خلق به ملی‌گرایی نیز برگرفته از تفکرات سال‌های نخست تشکیل جمهوری ترکیه است و در حال حاضر چندان مورد تأکید نیست. ملی‌گرایی حزب جمهوری‌خواه خلق نیز در مقابل اندیشه امت محور جمهوری اسلامی ایران قرار دارد.

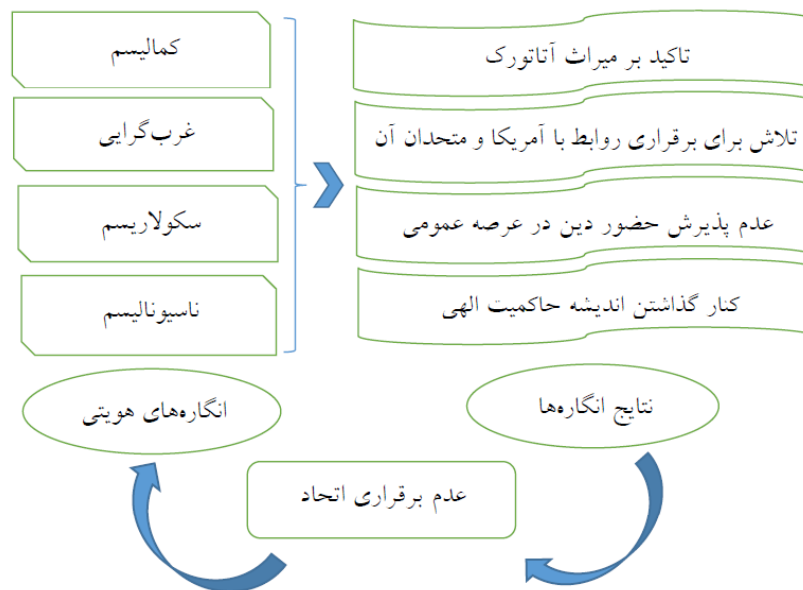
۸- کنش‌های رفتاری حزب جمهوری‌خواه خلق در قبال جمهوری اسلامی ایران

انگاره‌های هویتی حزب جمهوری‌خواه خلق بر اساس نظریه ونت بر مواضع رفتاری این حزب تأثیرگذار است. بررسی رویکردهایی که حزب جمهوری‌خواه خلق دارد، می‌تواند در ترسیم کنش‌های رفتاری این حزب کمک کند. مؤلفه‌هایی که به‌عنوان انگاره‌های هویتی حزب جمهوری‌خواه خلق بیان شد، تفاوت‌های هویتی با جمهوری اسلامی ایران دارد. کنش‌های رفتاری مختلف این حزب در اینجا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۸-۱ حرکت به سمت اتحاد

حزب جمهوری‌خواه خلق بر اساس انگاره‌های هویتی خویش نمی‌تواند به دنبال اتحاد با جمهوری اسلامی ایران باشد؛ چراکه این رویکردها تفاوت‌های جدی با ایدئولوژی جمهوری اسلامی ایران دارد. کمالیسم به‌عنوان اندیشه حاکم بر این حزب اصلاحات بنیادینی در فضای دینی ترکیه انجام داد. پایبندی حزب جمهوری‌خواه خلق به این انگاره مخالف جدی حضور دین در عرصه عمومی است. گرچه افراط‌گرایی‌های پیشین از سوی این حزب دیده نمی‌شود؛ اما کنار گذاشته شدن چنین رویکردی بعید به نظر می‌رسد.

غرب‌گرایی به‌عنوان رویکرد هویتی دیگر این حزب نیز تفاوت بنیادین با ارزش‌های جمهوری اسلامی ایران دارد. در حقیقت حزب جمهوری خواه خلق به‌عنوان نخستین نهاد حزبی غرب‌گرای ترکیه محسوب می‌شود که به دنبال پیاده کردن تمدن غربی در این کشور بود. چنین باوری به معنای عدم اعتقاد به تمدن اسلامی و توانمندی آن برای اداره جامعه است. سکولاریسم انگاره دیگری است که از سوی حزب جمهوری خواه خلق دنبال شده است. این حزب نه تنها مخالف حضور دین در عرصه عمومی بود، بلکه تلاش برای کنار گذاشته شدن دین در حوزه خصوصی را دنبال کرد که این اقدام با موفقیت همراه نبود. چنین رویکردی در تضاد با اندیشه جمهوری اسلامی ایران است. رویکرد ناسیونالیستی نیز اندیشه الهی را بر جامعه حاکم نمی‌داند و مشروعیت خود را از توده‌های مردم می‌گیرد. بر این اساس این انگاره هویتی نیز در تقابل با ایدئولوژی حاکم بر جمهوری اسلامی ایران است.



شکل ۱: حرکت به سمت اتحاد

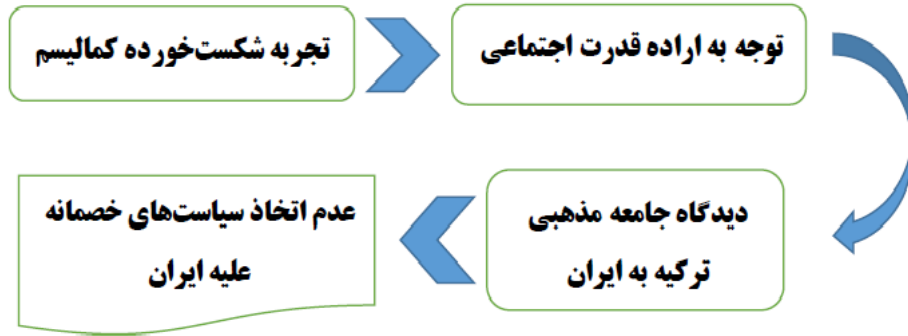
(منبع: نگارنده)

همان‌طور که شکل ۱ نشان می‌دهد، اتخاذ سیاست عدم برقراری اتحاد با جمهوری اسلامی ایران نتیجه مجموعه انگاره‌های هویتی حزب جمهوری خواه خلق است. این موضوع نیز مجدداً به یکی از انگاره‌های هویتی این حزب اضافه می‌شود و این چرخه تکرار می‌شود. کنش نخست در بردارنده مواضع رفتاری حزب جمهوری خواه خلق در قبال جمهوری اسلامی ایران نیست.

۸-۲ سیاست‌های خصمانه

تجربه شکست‌خورده کمالیسم در ترکیه باعث شده است که حزب جمهوری خواه خلق از اقدامات افراطی در این زمینه دست بردارد؛ چرا که این اقدامات واکنش جدی مردم ترکیه را به همراه داشت. از آنجایی که جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک حکومت دینی در جامعه ترکیه شناخته می‌شود، مواضع تند حزبی همچون حزب جمهوری خواه خلق علیه جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند با همراهی بدنه اجتماعی مواجه شود؛ لذا مشاهده می‌شود که این حزب به دنبال رویارویی با اقدامات ایران در منطقه نیست. حزب جمهوری خواه خلق در حال حاضر در جایگاه اپوزیسیون

ترکیه قرار گرفته است و با مواضع ضد ایرانی مخالفت می‌کند. مسئله داعش و سوریه از نمونه‌های قابل توجه در این زمینه هستند که حزب جمهوری‌خواه خلق با مواضع حزب عدالت و توسعه در این زمینه مخالفت کرد.



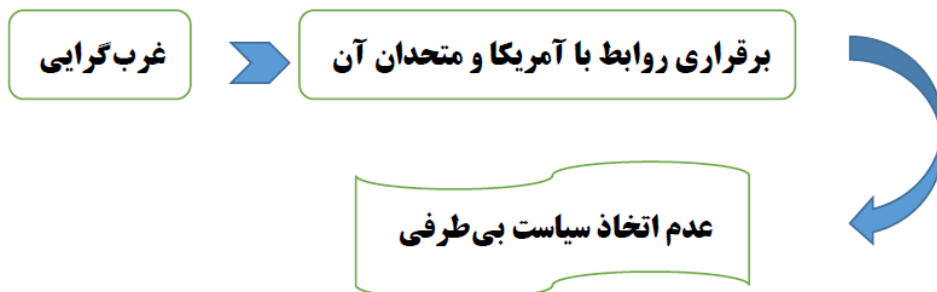
شکل ۲: سیاست‌های خصمانه

(منبع: نگارنده)

شکل ۲ نشان می‌دهد که حزب جمهوری‌خواه خلق از تجربه شکست‌خورده کمالیسم امروزه استفاده می‌کند. چنین تجربه‌ای باعث می‌شود که به اراده قدرت اجتماعی توجه بیشتری داشته باشد؛ لذا این حزب به دیدگاه جامعه مذهبی ترکیه در قبال جمهوری اسلامی ایران توجه دارد. این موضوع مانع از اتخاذ سیاست‌های خصمانه علیه جمهوری اسلامی ایران می‌شود؛ لذا کنش اتخاذ سیاست‌های خصمانه از سوی حزب جمهوری‌خواه خلق محتمل نیست.

۸-۳ اتخاذ سیاست بی‌طرفی

انگاره غرب‌گرایی حزب جمهوری‌خواه خلق باعث می‌شود که این حزب به‌عنوان بزرگ‌ترین اپوزیسیون حزب حاکم سیاست بی‌طرفی در قبال جمهوری اسلامی ایران نداشته باشد؛ چراکه اگر این حزب در دولت ترکیه چه به‌صورت مستقل یا ائتلافی حضور پیدا کند، سیاست برقراری روابط با غرب از جمله ایالات متحده آمریکا و متحدان آن را اتخاذ خواهد کرد. این موضوع باعث می‌شود که حزب جمهوری‌خواه خلق نتواند سیاست بی‌طرفی در قبال ایران داشته باشد.



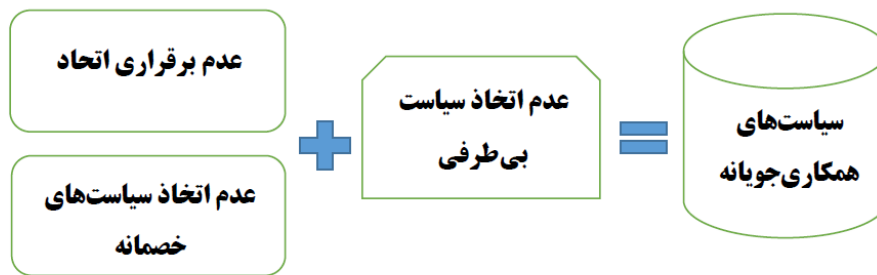
شکل ۳: اتخاذ سیاست بی‌طرفی

(منبع: نگارنده)

همان‌طور که شکل ۳ نشان می‌دهد، حزب جمهوری خواه خلق به دنبال برقراری مناسبات با کشورهای غربی خصوصاً ایالات متحده آمریکا نمی‌تواند سیاست بی‌طرفانه‌ای در قبال جمهوری اسلامی ایران داشته باشد؛ لذا کنش سوم نیز منطبق بر مواضع حزب جمهوری خواه خلق نیست.

۸-۴ حرکت به سمت سیاست‌های همکاری جویانه

مجموع کنش‌های پیشین نشان داد که حزب جمهوری خواه خلق به دنبال اتخاذ سیاست‌های خصمانه علیه جمهوری اسلامی ایران نیست. از طرف دیگر این حزب برقراری اتحاد با ایران را نیز دنبال نمی‌کند. همچنین حزب جمهوری خواه خلق نمی‌تواند سیاست بی‌طرفانه در قبال جمهوری اسلامی ایران داشته باشد.



شکل ۴: حرکت به سمت سیاست‌های همکاری جویانه

(منبع: نگارنده)

حزب جمهوری خواه خلق بر اساس شکل ۴ به سمت سیاست‌های همکاری جویانه با جمهوری اسلامی ایران حرکت می‌کند. این کنش در مورد مواضع رفتاری حزب جمهوری خواه خلق در قبال جمهوری اسلامی ایران محتمل به نظر می‌رسد.

۷- نتیجه‌گیری

تحلیل انگاره‌های هویتی حزب جمهوری خواه خلق بر اساس نظریه ونت در قالب چارچوب نظری سازه‌انگاری می‌تواند مواضع این حزب در قبال جمهوری اسلامی ایران را تبیین کند. کمالیسم، غرب‌گرایی، سکولاریسم و ناسیونالیسم به‌عنوان مهم‌ترین انگاره‌های هویتی حزب مذکور مورد بررسی قرار گرفت. همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد، رویکردهای هویتی این حزب تأثیراتی بر مواضع آن دارد.

| انگاره‌های هویتی CHP | نتایج آن بر مواضع این حزب |
|----------------------|---|
| کمالیسم | تأکید بر میراث آتاتورک |
| غرب‌گرایی | تلاش برای برقراری روابط با آمریکا و متحدان آن |
| سکولاریسم | عدم پذیرش حضور دین در عرصه عمومی |
| ناسیونالیسم | کنار گذاشتن اندیشه حاکمیت الهی |

جدول ۱: انگاره‌های هویتی CHP

(منبع: نگارنده)

انگاره هویتی کمالیستی حزب جمهوری‌خواه خلق بر میراث آتاتورک تأکید می‌کند. اصلاحات زمان آتاتورک هنوز از خاطره مردم ترکیه فراموش نشده است. اتخاذ چنین رویکردی در تضاد کامل با ایدئولوژی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد؛ لذا این موضوع تأثیر سلبی بر مواضع این حزب در قبال ایران دارد.

حزب جمهوری‌خواه خلق به‌عنوان حزب پیشرو غرب‌گرایی در ترکیه محسوب می‌شود. چنین رویکردی پذیرش تمدن غربی را به دنبال دارد. در حقیقت این حزب اصول ملی و دینی ترکیه را با اتخاذ چنین انگاره‌ای به حاشیه می‌برد. این رویکرد نیز بر مواضع حزب مذکور در قبال جمهوری اسلامی ایران تأثیر سلبی دارد؛ چراکه تمدن غربی ارزش‌های متفاوتی با تمدن بزرگ اسلامی که جمهوری اسلامی دنبال می‌کند، دارد.

سکولاریسم رویکرد هویتی دیگری است که بر مواضع حزب جمهوری‌خواه خلق تأثیرگذار است. نهادهای حاکم در زمان این حزب نه‌تنها موافق حضور دین در عرصه عمومی نبودند، بلکه به دنبال حذف آن از حوزه خصوصی نیز بودند. گرچه حزب جمهوری‌خواه خلق از افراط‌گرایی زمان آتاتورک و دولت‌های نخست جمهوری ترکیه فاصله گرفته؛ اما هنوز به مبانی آن معتقد است. این رویکرد با مبانی جمهوری اسلامی ایران در تضاد است.

ناسیونالیسم و اعتقاد به ملی‌گرایی افراطی ترکی نیز بر مواضع حزب جمهوری‌خواه خلق تأثیرگذار است. این رویکرد توده‌های مردمی را به‌جای اندیشه الهی مشروعیت ساز می‌داند؛ لذا اتخاذ چنین انگاره‌ای بر مرزهای جغرافیایی تأکید دارد و این در حالی است که اندیشه جهان‌میهنی در حال حاضر ترویج می‌شود. این رویکرد نیز با تأکید بر هویت ناسیونالیستی ترکی بر مواضع حزب مذکور در قبال ایران تأثیرگذار است.

مجموع بررسی‌های انجام‌شده از انگاره‌های هویتی حزب جمهوری‌خواه خلق نشان می‌دهد که رویکردهای این حزب هم‌خوانی چندانی با انگاره‌های هویتی جمهوری اسلامی ایران ندارد؛ لذا این موضوع بر مواضع حزب جمهوری‌خواه خلق تأثیر مستقیم دارد. ذکر این نکته نیز ضروری است که این حزب در حال حاضر در رأس قدرت سیاسی ترکیه قرار ندارد و برای همین مواضعی که در قبال حزب عدالت و توسعه به‌عنوان حزب حاکم ترکیه اتخاذ می‌کند، در موقعیت اپوزیسیون صورت می‌گیرد. بررسی حالت‌های چهارگانه از کنش‌های رفتاری حزب جمهوری‌خواه خلق نشان داد که اولاً نتیجه مجموعه انگاره‌های هویتی حزب جمهوری‌خواه خلق اتخاذ سیاست عدم برقراری اتحاد با جمهوری اسلامی ایران است. ثانیاً کنش اتخاذ سیاست‌های خصمانه از سوی حزب جمهوری‌خواه خلق محتمل نیست. ثالثاً این حزب نمی‌تواند سیاست بی‌طرفانه‌ای در قبال جمهوری اسلامی ایران داشته باشد. درنهایت حزب مذکور به دنبال اتخاذ سیاست‌های همکاری‌جویانه در قبال جمهوری اسلامی ایران است.

منابع

- هینه بوش، ریموند، (۱۳۹۴)، «روابط بین‌المللی کشورهای خاورمیانه»، ترجمه عسگر قهرمان پور، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳، صص ۲۹۲-۲۸۳.
- Barkey, H.J. (2005), "The Struggles of a 'Strong' State," *Journal of International Affairs*, 54(2), pp: 87-105.
- Davidson, A. (2003), "Turkey, A "Secular" State? Challenge of Description", *South Atlantic Quarterly*, 102(3), pp: 333 – 350.
- Eagleton, William, *The Kurdish Republic (1945)*, oxford university press. London, 2000.
- Ergil, D. (2000), "Identity Crises and Political Instability in Turkey", *Journal of International Affairs*, 54(1), pp: 43-62.
- Feroz, Ahmad (2002), *The making of modern Turkey*, London.
- Franke, Wilmer (2012), *The Social Construction of Man, the state and war: Identity, Conflict and Violence in the Former Yugoslavi*, London, Rutledge.
- Gole, N. (2005), *Authoritarian secularism and Islamist politics: the case of Turkey*, A. R. Norton (ed.), *Civil Society in the Middle East*, Leiden: E. J. Brill.
- Gole, N. (2007), "The quest for the Islamic self within the context of modernity", Sibel Bozdogan and Resat Kasaba (eds), *Rethinking Modernity and National Identity in Turkey*, Seattle: University of Washington Press.
- Grigoriadis Ioannis, (2010), "The Davutoğlu Doctrine and Turkish Foreign Policy", *Middle Eastern Studies Programme (Working Paper)*, No. 8, pp. 1-12.
- Gulalp, H. (2001), "Globalization and Political Islam: The Social Bases of Turkey's Welfare Party", *International Journal of Middle East Studies*, 33(3), pp: 433-448.
- Kubicek, P. (2009), "Turkish European Relations: At a New Crossroads", *Middle East Policy*, 6(4), pp: 157-173.
- Kuru, A. (2009), "Globalization and Diversification of Islamic Movements: Three Turkish Cases", *political Science, Quarterly*, 120(2), pp: 534-574.
- Laclau, E. (2007), *New Reflections on the Revolution of Our Time*, London,: Verso.
- Lesser Eric and Etal (2000), *Knowledge and Communities*, Boston, Butter Worth, Heinemann.
- Macfie, A. L. (2004), *Ataturk*, London and New York: Longman.
- Steve smith (2011), "Foreign policy is what states make of it: Social Construction and International Relations Theory ", in: *Foreign Policy in a Constructed World: International Relation in a Constructed World*, Editor: v. Kubalkova, Armonk, M.E.Sharpe.
- Yavuz, M.H. (2000), "Cleansing Islam from the Public Sphere", *Journal of International Affairs*, 54(1), pp: 21- 43.
- (ج) استانبولی
- Agaoglu, Ahmet (2000), *Serbest Firka hatıralar*, Istanbul.
- Aydin, M. A. (2000), 'Katilim Belgesi'nin ortaya koydugu gerçek', *Yenisafak*, 10 December.
- Bulac, A. (2007), 'Bu gerilim asilabilir mi?', *Yenisafak*, 25 December.
- Gurdogan, E. N. (2008), 'Aydin kendisiyle hesaplamasini bilendir', *Yenisafak*, 18 June.

- Keyman, F. (2009), *Turkiye ve Radikal Demokrasi: Modern Zamanlarda Siyaset ve Demokratik Yonetim*, Istanbul: Baglam Yayinlari.

Analysis of the behavioral actions of the Republican People's Party of Turkey towards the Islamic Republic of Iran

Abdolmotaleb Abdolah¹, Ramin Valizade Meidani², Sina Fekri³

Received:2020/06/25

Accepted:2020/08/10

Abstract

The formation of the Republic of Turkey after the collapse of the Ottoman Empire and the emergence of political parties in spite of the one-party atmosphere in the first year of the Turkish Republic created an atmosphere of democratic competition between the parties. The Republican People's Party, the first political party in Turkey, is currently the largest opposition in the ruling party. The purpose of this article is to explain the position of the Republican People's Party towards the Islamic Republic of Iran. Accordingly, the main question of this research is: what role do the Republican People's Party's identity ideas play in its position towards the Islamic Republic of Iran? The author of the article hypothesizes that the Republican People's Party's identity approaches influence the party's positions. This article analyzes the role of identity paradigms in the positions of the Republican People's Party by using descriptive-analytical methods and using library documents. This research is of practical purpose. The findings of the article show that the behavior of the Republican People's Party towards the Islamic Republic of Iran is based on cooperative policies.

Keywords: Party, Republican People, Islamic Republic of Iran, Identity Patterns, Turkey.

¹. Associate Professor, Department of Islamic Education, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

². Ph.D. Student in Political Science, Political Sociology, Imam Sadegh (AS) University, Tehran, Iran (Corresponding Author) asemanehapht@gmail.com

³. Master student of Regional Studies, Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran